

نسبت جشن نوروز با زمین، زمان و فرهنگ

یعقوب یسنا

جشن نوروز یکی از کهن‌ترین و با پیشینه‌ترین جشن‌ها در تاریخ بشر است که با وصف تحولات فرهنگی، دینی، مذهبی و قومی در تاریخ بشر از بین نرفته و هم‌چنان ادامه یافته و مهم‌تر از همه این‌که به جنبه‌های اهمیت جهانی جشن نوروز افزوده شده است. اهمیت جهانی جشن نوروز در این است که فراتر از ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های قومی و... با فرهنگ جامعه‌های بشر معاصر مناسبت‌های بشری و فرهنگی پیدا کرده است.

جشن‌های دیگر، معمولاً جشن‌های دینی، مذهبی، قومی و... است. اما جشن نوروز از آغاز تا امروز از مناسبات دینی، مذهبی و قومی فراتر رفته و بدون برجسب دین، مذهب و... در فرهنگ بشر رواج و تعمیم یافته است. بنابراین، در این یادداشت به چند نسبت بشری جشن نوروز اشاره می‌شود:

یک: پیشینه جشن نوروز به پنج هزار سال پیش از امروز می‌رسد که نشانه‌های برگزاری آن در خاورمیانه (سومر و بابل)، در ایران، افغانستان، تاجیکستان و آسیای میانه قابل مشاهده است. در سومر و بابل جشن نوروز با منظومه‌ی آفرینش آغاز می‌شده است. هم‌سرایان، منظومه‌ی آفرینش را می‌خوانده‌اند و شاه حضور می‌یافته است؛ با حضور شاه خواندن منظومه‌ی آفرینش و اجرای رسم‌های آیینی، چگونگی پیدایش و آفرینش جهان تمثیل می‌شده است. (رجوع شود به پژوهش در اساطیر ایران- مهرداد بهار و به اسطوره و رمز- میرچا الیاده).

پیشینه‌ی دین زرتشتی به پنج هزار سال نه به چهار هزار سال (تقریباً) از امروز می‌رسد. بنابراین، خاست‌گاه جشن نوروز کیش زرتشتی نیست و جشن نوروز یک جشن خاص زرتشتی نیست. طوری که ادیان، آیین‌ها و فرهنگ‌های پیش از دین زرتشتی از جشن نوروز و برگزاری آن استقبال کرده‌اند؛ کیش زرتشتی نیز از این فرهنگ بشری (جشن نوروز) در منطقه استقبال کرده است.

دو: دین زرتشتی در جریان سال، شش جشن به نام گاهنبار دارد که هر گاهنبار به پیدایش موجودات توسط اهورامزدا، ارتباط می‌گیرد. گاهنبار ششم زرتشتی آخرین گاهنبار و جشن زرتشتی در آخر سال است. این گاهنبار به تکمیل شدن آفرینش جهان و به ویژه آفرینش انسان ارتباط می‌گیرد. در بیست و پنج حوت برگزار می‌شده و به مدت ده روز یا بیش‌تر ادامه می‌یافته است.

جشن نوروز با ششمین گاهنبار زرتشتی با تفاوت پنج‌روز مصادف شده است که در دوره‌ی ساسانیان مردم گاهنبار ششم و جشن نوروز را با تفاوت پنج روز پی‌هم و نسبتاً هم‌زمان برگزار می‌کرده‌اند. بنابراین، در دوره‌ی اسلامی خاست‌گاه جشن نوروز و پیشینه فرهنگی آن درست شناخته نشده و با گاهنبار ششم زرتشتی یکی دانسته شده است. این عدم شناخت جشن نوروز و گاهنبار ششم دین زرتشتی و عدم تفکیک این دو، باعث شده که نوروز را همان گاهنبار ششم بدانند و بگویند که جشن نوروز از جشن‌های خاص زرتشتی است.

اگرچه هیچ جشنی بی‌مناسبت به ادیان، مذاهب و آیین جامعه‌های بشری نیست. هر جشنی بنا به مناسبت‌های فرهنگی بشر پیدا

شده است. نسبت و برقراری مناسبت‌های جشن نوروز با ادیان، مذاهب و آیین جامعه‌های بشر باعث کم‌اهمیتی جشن نوروز نمی‌شود؛ برخلاف به اهمیت بشری جشن نوروز می‌افزاید. جشن نوروزی در دوره‌ای از تداوم خویش با آیین و فرهنگ زرتشتی مناسبت معنادار بشری برقرار کرده است. اما در تداوم پسین خویش از دین زرتشتی جدا شده و بدون برچسب دینی و مذهبی در فرهنگ بشر به راه خود ادامه داده است.

سه: جشن نوروز با جغرافیای طبیعی منطقه و تجربه‌ی انسان از کشت و تکرار زمان (تغییر سال) ارتباط دارد. جغرافیای طبیعی منطقه از نظر تغییر و تحول آب و هوا طوری عیار شده که آب و هوای چهار فصل به طور جدی قابل احساس است؛ یعنی بهار، تابستان، پاییز و زمستان به طور حسی برای انسان این جغرافیا قابل احساس و درک است. این احساس باعث شده است که انسان این جغرافیا در فصل بهار به طبیعت و آب و هوا واکنش نشان بدهد. این واکنش انسان به فصل بهار، در واقع می‌تواند خاستگاه و آغاز شکل‌گیری جشن نوروز باشد.

اشاره شد که جشن نوروز به کشت و زمان ارتباط می‌گیرد. منظور این است که شناخت انسان از سبز شدن و سر برآوردن دانه در فصل بهار و نوروز از خاک، برای انسان باستان، مایه‌ی شگفت و تعجب بوده است. با این شناخت، بشر ده‌نشین شد و به کشت و زراعت پرداخت. بنابراین، جشن نوروز به تجربه‌ی بشر از کشاورزی ارتباط دارد و جشن کشاورزی و سبز شدن دانه است.

ارتباط جشن نوروز با زمان این است که در یک سال، چهار فصل تمام می‌شود و با آغاز سال، چهار فصل باز تکرار می‌شود؛ این تکرار، تجربه‌ی زمان را دورانی و دایره‌وار نشان می‌دهد. پایان زمستان، پایان بهار و نوروز، آغاز زمان است. انسان باستان این هراس را داشت که زمان پایان یابد و تکرار نشود. بنابراین، از این‌که زمان تکرار می‌شد؛ آغاز زمان جشن گرفته می‌شد.

چهار: جشن نوروز، جشن تجدید حیات و زندگی، جشن طبیعت، جشن تغییر سال و زمان، جشن کشاورزی و جشن سپاس‌گزاری از خوبی‌های طبیعت و احساسات انسان نسبت به طبیعت است. ادیان، فرهنگ‌ها، امپراتوری‌ها از این جشن استقبال و این جشن را نه تنها که برگزار کرده‌اند؛ بلکه کوشیده‌اند جشن نوروز را خودی و متعلق به فرهنگ و کیش و آیین‌شان کنند.

بنابراین، جشن نوروز به هیچ دین و آیین خاصی تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا جشن نوروز جشنی جدا از ادیان است و از نظر برگزاری به هیچ دینی ربط نمی‌گیرد، فقط به طبیعت و تغییر دقیق و واقعی سال ارتباط می‌گیرد.

پنج: جشن نوروز را پیروان هر دین و آیینی و هر قوم و کشوری به این دلیل‌ها می‌توانند برگزار کنند: جشن نوروز متعلق به دین خاصی نیست. جشن نوروز متعلق به زمین و طبیعت است، زمین و طبیعت خانه همه‌ی ما است. جشن نوروز طبیعی‌ترین جشن تغییر سال است که دقیق‌ترین ارتباط را با حرکت زمین و تغییر سال دارد. بنابراین، همه می‌توانند این جشن را برای تغییر سال برگزار کنند و به یک‌دیگر تبریک بگویند و برای یک‌دیگر آروزی سال خوب کنند.

جشن نوروز را برای پاس‌داشت از زمین، برای پاس‌داشت از تغییر سال و گذشت زمان و گذشت یک سال زندگی ما و...، برای پاس‌داشت از بهار و آغاز کشت و رویش برگزار کنیم. جهان امروز اگر ارزشی دارد و اگر نسبت به گذشته از نظر فرهنگی متنوع‌تر است، به دلیل کثرت‌گرایی فرهنگی و به رسمیت‌شناختن تنوع فرهنگی در جهان است. این‌که مردم جهان به جشن نوروز علاقه‌مند شده‌اند؛ به این معنا است که امروز جشن نوروز مناسبت جدی‌ای با زیست‌محیط، زندگی و زمین برقرار کرده است. بنابراین جشن نوروز می‌تواند در تقویم بشر روز پاس‌داری از زیست‌محیط و زمین نیز دانسته شود.

شش: افغانستان (خراسان) در مرکز حوزه‌ی فرهنگی و تمدنی‌ای قرار دارد که به این حوزه در مناسبات فرهنگی جهان، ایران فرهنگی نامیده می‌شود. بنابراین هر رویداد فرهنگی‌ای که به این حوزه ارتباط بگیرد، بیش‌ترین ارتباط را با افغانستان دارد. اما حکومت‌های معاصر افغانستان معمولاً این جای‌گاه منطقه‌ای و تمدنی را در نظر نگرفته‌اند. متأسفانه گروه طالبان با جشن نوروز و جشن‌های ملی مردمی افغانستان و منطقه دشمنی دارند و از این گروه نمی‌توان گله کرد، زیرا این گروه اگر با جشن نوروز و فرهنگ‌های روادارانه‌ی بشری دشمنی نکنند، دیگر نمی‌توانند یک گروه تندرو بنام طالب باشند. طوری‌که اشاره کردم حکومت‌های افغانستان آن‌چنان‌که لازم است هیچ‌گاهی به جشن نوروز اهمیت نداده‌اند. اهمیت ندادن به جشن نوروز در حقیقت اهمیت ندادن به جای‌گاه فرهنگی افغانستان در حوزه‌ی تمدنی نوروز است و حکومت‌های افغانستان خواسته‌اند جای‌گاه فرهنگی و تمدنی افغانستان را در حوزه‌ی تمدنی نوروز خالی کنند. خوش‌بختانه جشن نوروز با جان و روان و فرهنگ مردم افغانستان ارتباط عمیق بشری دارد و مردم در هر صورتی از جشن نوروز به‌عنوان فرهنگ و هویت تمدنی خود پاس‌بانی می‌کنند.